

مناجات با خدا

منم بد منم بد/ تو خوبی تو خوبی
منم عبد گنهگار/ تو ستار العیوبی
بین فرصت عمرم/ گذشته به تباهی
الهی الهی...

تو و جود و کرامت/ من و خواری و غفلت
تو و لطف و عنایت/ من و شرم و خجالت
تو و خوبی و رحمت/ من و روی سیاهی
الهی الهی...

اگر چه همه ی عمر/ گنه شد هنر من
ولی دست نوازش/ کشیدی به سر من
به درمانده اُمید و/ به مسکین تو پناهی
الهی الهی...

کجا در ره تقوی/ هم آهنگ تو بودم
ز رویت خجل هستم/ که من ننگ تو بودم
ولی ناله زدم بر/ گل فاطمه(س) گاهی
الهی الهی...

همان که به ره دین/ غریبانه فدا شد
سرش از تن پاکش/ لب تشنه جدا شد
سؤالم فقط این است/ به چه جرم و گناهی
الهی الهی...

مناجات با خدا

*مهربانی تو خدا/ از تو جدا/ شدم من عاصی
زندانی گنه و/ جرم و خطا/ شدم من عاصی
عبد سر افکنده منم/ از گنه شرمنده منم
لیکن از لطف و کرم/ ای خدا آکنده منم

گذشته از حد شد/ گناه من آلعفو
ولی خجل هستم/ خدای من آلعفو

گشته از دیده ی دل/ اشک خجالت روان
خون کردم با گنهم/ قلب امام زمان

شکسته قلب و رو سیهم/ بین که من گم کرده رهم/ رهی نشانم
ده

بده به راه خود مددم/ برای ترک فعل بدم/ خودت توانم ده

*مهربان کن تو نظر/ بر من و بر خرابیِ حالم
آمدم توبه کنم/ از گنه و بدی اعمالم
بوده ام بی مایه ولی/ غرق شور و زمزمه ام
گرچه آلوده شده ام/ من مُحَبَّ فاطمه(س) ام

اگر چه نزد تو/ همیشه رُسوایم
فدایی عشق/ علی و زهرایم(س)

با داغ مرثیه ها/ سینه بُود پُر شرر
می کنم آه و فغان/ از غم دیوار و در

به یاد یاسِ گشته کبود/ که در میان آتش دود/ فدای مولا شد

گل علی و سوز و شرر/ هجوم خصم و ضربه ی در/ شهیده
زهرایم(س) شد

مناجات با خدا

من آدمم با/سوز دل و آه/اغفرْ دُنوبی/آستغفر الله

راه وصال/ای حیّ یکتا/بر من نشان ده/گم کرده ام راه

آستغفرالله...

من گرچه هر دم/عصیان نمودم/تو لطف کردی/بر من به هر گاه

آستغفرالله...

نفس اماره/بیچاره ام کرد/بده نجاتم/از قعر این چاه

آستغفرالله...

هستم گدایت/عبد سراپت/ای نور لطفت/بر شام دل ماه

آستغفرالله...

من را ببخشای/حقّ حسینت/او که بُود بر/مُلک جهان شاه

آستغفرالله...

آن کس که شد در/راه وصال/با زخم تیغ و/سر نیزه همراه

آستغفرالله...

آنکه برایش/زهرای اطهر(س)/نوحه بخواند/با سوز جانکاه

آستغفرالله...

با کام تشنه/با ضرب دشنه/سر را جدا کرد/آن شمر گمراه

آستغفرالله...

مناجات با خدا

ای که بر من مَحرم رازی/پرده بر جرمم می اندازی

آدمم تا این گدا را هم/مُحرم عشق خودت سازی

از سَر خجالت/دیده گریانم/از گناهان/خود پشیمانم

سیدّی العَفوّ...

گشته ام حیران به تاریکی/ای حریم تو حریم نور

گرچه بستم با تو پیمان/که/گردم از وادی عصیان دور

بی وفا گشتم/من هر عَهدی را/خون نمودم من/قلب مهدی را

سیدّی العَفوّ...

بس که دنیا غافلم کرده/جسم تقوایم شده بی جان

بی اراده هستم و بی روح/در نماز و خواندن قرآن

کن بر این عاصی/لطف جانانه/با عبادت دل/گشته بیگانه

سیدّی العَفوّ...

من نشسته بر سر راهم/تو اُمید قلب مسکینی

من همه فقر و همه دردم/تو غیاث المُستغیثینی

نغمه ی جانم/بانگ یا الله/کاسه ام پر کا/حقّ ثارالله

سیدّی العَفوّ...

حقّ آن آقا که در راه/دین تو جانش فدا گشته

با لبِ خُشک و تنِ پُر خون/بین مقتل سر جدا گشته

قلب زهرا(س) را/با غم آغشتند

که حسینش را/تشنه لب کشتند

ای حسین جانم...

مناجات با خدا

از عطا و رحمت بی حدّ تو آکنده ام
ای خدای مهربان ، از لطف تو شرمنده ام
خدای من خدای من خدای من خدای من...
گشته آلوده ز عُصیان ، یا رب از پا تا سرم
از منِ عاصی خطا و از تو خوبی و کرم
گرچه من خیلی بدم اما تو خوبی ای خدا
واقعاً شرمنده ام ، اغفر ذنوبی ای خدا
یا جمیل و یا جلیل و یا ودود و یا حلیم
یا رؤف و یا رحیم و یا غفور و یا کریم
یا وکیل و یا کفیل و یا دلیل و یا قبیل
یا مُدیل و یا مُنیل و یا مُقیل و یا مُحیل
ای تو علامّ الغیوب و ای تو عَقَّارُ الذَّنوبِ
ای تو صانع ، ای تو شافع ، ای تو سَتَّارُ الغُیوبِ
یا علی و یا وَفّی و یا غنی و یا مَلّی
یا حَفّی و یا رضی و یا زکّی و یا ولی
فَارُجُ الّهَمّ ، کاشفُ الّغمّ ، صادِقُ الوعد ، ای خُدا
عالمُ السِّرّ ، فالقُ الحَبّ ، موفّی العہد ، ای خدا
رَبِّ حِلّی وَالْحرام و رَبِّ نورِ وَالظّلام
رَبِّ مشعر ، رَبِّ کعبه ، زمزم و رکن و مقام
سایه ی تو بر سر خلق دو عالم مستدام
یا عزیزاً لا یضام و یا لطیفاً لا یُرام
باقی و راضی و هادی، وافی و شافی تویی
داعی و قاضی و عالی ، صانع و کافی تویی
خیرِ مسئولین تویی و خیرِ مشکورین تویی
خیرِ مطلوبین تویی و خیرِ محبوبین تویی
غافر و ساتر تویی و قادر و فاطر تویی
قاهر و ذاکر تویی و ناظر و جابر تویی
یَکشیفُ البَلوی تویی و یَسْمَعُ التَّجوی تویی
یُنجی الّهَلکی تویی و یَشفی المَرَضی تویی
یا طیب و یا حبیب و یا قریب و یا رفیق
یا حسیب و یلّ مَهبیب و یا مُثیب و یا مُجیب
یا مُسَهِّل ، یا مُقَصِّل ، یا مُبَدِّل ، ای خدا
یا مُدَلِّل ، یا مُنَزِّل ، یا مُتَوَلِّ ، ای خدا
رازقی و ناطقی و سامقی و صادقی
فاتقی و فارقی و راتقی و خالقی
یا مُعزّ و یا مذلّ و یا حفیظ و یا رفیق
یا مُحیط و یا مُقیت و یا مُغیت و یا شفیق
یا سمیع و یا شفیع و یا کبیر و یا قدیر
یا بدیع و یا رفیع و یا خبیر و یا مُجیر
یا إله العالمین ، یا من یُحبّ المُحسِنین
صبرِ بر عصیان بده ، یا من یُحبّ الصّابِرین
با عطا و عفو و غفران ، از گناهم در گذر
حقّ سالار شهیدان از گناهم در گذر
گرچه من عاصیم و رویم سیاه است و بدم
عمری از داغ حسین بن علی سینه زدم
آن حسینی که همه هستش شده وقف خدا
آن حسینی که سرش در قتلگاهش شد جدا
آن حسینی که به راه بندگی سر داده است
کودک شش ماه و عباس و اکبر داده است
آن حسینی که حدیث عشق جانان خوانده است
بعد جان دادن سرش بر نیزه قرآن خوانده است
آن حسینی که به راه حفظ قرآن داده جان
بر لب و دندان پاکش خورده چوب خیزران

مناجات با خدا

یا رَبِّنا یا رَبِّنا اغفِر لنا ذُنوبنا..

با کوه عصیان آدمم/با چشم گریان آدمم
عُمرم شده صَرف گناه/اما پشیمان آدمم
بیچاره ی درمانده را/در محضرت راهش بده
در وادّی عُبودیت/سوزش بده آهش بده
با این نفس اماره و/درد جهالت چه کنم
گر ببخشی من را بگو/با این خجالت چه کنم
ساده گویم ای مهربان/در بندگی من رُسوایم
قسم به تو شرمنده ی/خیمینی و شُهدایم
نه نمازی نه روزه ای/نه جهادی نه زکاتی
گرچه پر از سَیئاتم/تو دریای حَسَناتی
بیچاره ام آلوده ام/من را ببخش من را ببخش
نافرمانی نموده ام/من را ببخش من را ببخش
من را ببخش من را ببخش/به حقّ شاه شهدا
قسمت جمع ما نما/زیارت کربلا
ما همگی آواره و/خونجگر و مبتلاییم
با سوز دل، در حاجت/زیارت کربلاییم
چه کربلا چه کربلا/همان جا که ارباب ما
در مقتل پر خاک و خون/سرش شده از تن جدا
از کربلا از کربلا/آید صدای العطش
طفلی از سوز تشنگی/در خیمه ها بنموده غش
ای کربلا ای کربلا/دل را به غم آغشته اند
بر روی خاکت تشنه لب/خون خدا را کشته اند
یک مادر قد خمیده/با اشک جاری از دو عین
گوید میان قتلگاه/غریب مادر یا حسین

مناجات با خدا

من غرق جرم و عصیانم/تو قدیم الاحسانی

ای خالق بنده نواز/درد مرا درمانی

آدمم با/روسیاهی/یا الهی یا الهی...

تا اوج فلک رسیده/آه دل پر دردم

جز نا فرمانی یا الله/کار دیگر نکردم

عمرم سر شد/در تباهی/ یا الهی یا الهی...

پشت پا بر پیمان خوش/عهدی زدم و اوایلا

تیری به قلب حضرت/مهدی زدم و اوایلا

با هر جرم و/هر گناهی/ یا الهی یا الهی...

ای در بی قراری های/دل یاد تو قرارم

جز در کاشانه ی تو/جای دیگر ندارم

بی پناهان/را پناهی/ یا الهی یا الهی...

تو آحکم الحاکمینی/تو غفارُ الذنوبی

تو اسمع و السامعینی/تو ستارُ العیوبی

من هستم و/این گمراهی/ یا الهی یا الهی...

إغفر ذنوبی یا الله/قسَمَت دهم تورا

به حقّ آن آقایی که/عاشورا تک و تنها

رو برو شد/با سپاهی/ یا الهی یا الهی...

مناجات با خدا

بعد از عُمری جُرم و عصیان و تباهی

آدمم در اوج شرم و روسیاهی

بنما قبول/این بنده ی گمراه/که دارد به لب آه/یا ربّی یا الله

یا ربّی یا الله...

در صحرای جهل و غفلت آواره ام

بین حُبّ دنیا ، کرده بیچاره ام

من در راه_/بندگی و تقوی/افتاده ام در چاه/یا ربّی یا الله

یا ربّی یا الله...

با این دو خُرسندم ، وقتِ سختِ ممات

انجام واجبات ، ترکِ مُحَرّمات

بر لیله ی/تاریک عُمر ما/دین باشد همچون ماه/یا ربّی یا الله

یا ربّی یا الله...

روسیاه امّا ، اهل نینوایم

گریه کن داغِ ، یارِ سر جُدایم

دم همه دم/گریه نمودم بر/آن ماتم جانکاه/یا ربّی یا الله

یا ربّی یا الله...

امان از غربتِ سالار شهیدان

دیدار خدا رفت ، غرق خون و عطشان

بر سر زنان/واحسینا میگفت/زهرا(س) به قتلگاه/یا ربّی یا الله

یا ربّی یا الله...

مناجات با خدا

آدمم ای خدا بر در تو/تا شوم مُحرم محضر تو
سائلی وامانده ام من/بین غمها مانده ام من
از شهیدان خدایی/ای خدا جامانده ام من
یا الهی یا الهی...

احسان و جود و کرم عادتک/الهی وَ رَبِّی من لی غیرُک
من کسی جز تو ندارم/سر به خاکت میگذارم
کن مرا آواره ی خود/ای همه دار و ندارم
یا الهی یا الهی...

شده ام از گنه خوار و رُسوا/بیچاره ام کرده خُبّ دنیا
یاد تو رفته ز یادم/ای حبیبم ای مرادم
غرق عُصیان آدمم من/خود برس یا رب به دادم
یا الهی یا الهی...

یا الهی ، یا کریم و یا رب/اغفر ذُنوبی به حقّ زینب
حقّ آن بانوی خسته/قد خمیده ، دلشکسته
شاهد رأس بریده/نافله خوان نشسته
وا غربتا واغربتا...